

اعتصاب غذا در "لندن" و "وین"

* روزنامه "مورنینگ استار" در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۸۷ با چاپ عکسی، گزارش پایان اعتصاب غذای نیروهای مترقی ایرانی را در بریتانیا داده است. بر اساس این خبر، نیروهای مترقی ایران اعتصاب غذای چهار روزه خود را در میدان ترافالگار که در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران انجام شد، روز جمعه ۲۴ ژوئیه ۸۷ به پایان رساندند. در این اعتصاب غذا اعضای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا شرکت داشتند.

* ده نفر از رفقای فدائیان خلق ایران بقیه در ص ۷

چوب زیر بغل و این برگر

دولت جمهوری اسلامی بالاخره به قطعنامه سازمان ملل متحد (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) پاسخ رسمی داد. یادآور می‌شویم که در این قطعنامه شورای امنیت، از جمله، ایران و عراق را به آتش‌پس و بازگردانی نیروهای مسلح خود به مرزهای پیش از شروع محاصره فراخوانده بود.

رژیم جمهوری اسلامی، که پیش از این همواره همه قطعنامه‌های همانند را بی‌درنگ رد می‌کرد، این بار به تاکتیک طفره روی و سفسطه متوسل شد و ظاهراً "ننها" به "انتقاد" از مفاد قطعنامه پرداخت. روشن است که علت این تغییر تاکتیک را در انزوای تقریباً مطلق رژیم جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی جستجو باید کرد.

در موضع گیری کتبی دولت جمهوری اسلامی، که ولایتی، وزیر امور خارجه آنرا امضا کرده است، قطعنامه شورای امنیت "غیر قابل بقیه در ص ۷



شماره ۱۶۸ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۲۷/۵/۱۳۶۶
بها ۲۰ ریال

سیل تهران طبیعی نبود

میهن در بند ما سوگوار است. سوگوار جنگ، مباران، کشتارها در زندان... و اینک سیل، که خشمگین و وحشی شهر را در نوردید و مرگ و ویرانی بجای نهاد.

برخی دولتمردان گریستند، برخی بر منبر خطابه رفتند و از این "پیش آمد طبیعی" اظهار تأسف و با مردم "اظهار همدردی" کردند و بعبادت همیشه سخنانی گفتند که به باد هوا می‌مانست و بیشتر "نمکباش دل ریش" سوگواران بود.

واقعیت این است که پیش آمد سیل تهران طبیعی نبود و مسئولان رژیم در وقوع آن نقش داشتند.

در شماره ۱۶۶ "نامه" مردم نوشتیم که بمنظور جلوگیری از بردن تونلهای مترو از آب در بالای کلابدره، شمیران یک سد خاکی ایجاد کردند تا آبهای سرچشمه گرفته از کوه رادریشت آن ذخیره کنند. اما سد خاکی را توان ایستادن در برابر آب نبود. سد خاکی شکست و آب با ارتفاع هشت متر سرازیر شد و دیوانه وار شهر را در بر گرفت. کجای این حادثه می‌تواند طبیعی باشد؟

باید توجه داشت که اگر سیل نتیجه باران باشد، نمی‌تواند در بدو بارش باران، بلافاصله با آن قدرت و ابعاد عظیم جاری گردد که سنگهای چندین تنی را با خود همراه ببرد و با موجب سوار شدن ۷ اتومبیل روی هم گردد. "کیهان" ۵ مرداد می‌نویسد: "سیل بی خبر آمد. نه بادی بود، نه بارانی که سیل آسپاشد". و با: "خبر جاری شدن سیل در شمیران، بخصوص وقتی که شنونده در مرکز تهران قطره بارانی ندیده است، باور کردنی نبود، اما باید باور می‌کردیم".

بقیه در ص ۷

۲۸ مرداد: میوه زهر آگین تفرقه نیروهای ملی و دمکراتیک

ایجاد اغتشاش در اذهان توده‌ها بخطر منزوی کردن پیشتازان خلق از بکارگیری هیچ حربه‌ای کوتاهی نمی‌کنند. امپریالیسم و ارتجاع و سرسپردگان آنها، از یکسو، و خیال پرشاری از سازمانهایی، که پس از خونبارش‌های ۲۸ مرداد در صحنه سیاسی ایران سر برآوردند، از سوی دیگر، تلاش می‌ورزند، تا با زنده بگور کردن حقیقت در تابوت چرکین دروغ، وارونه‌سازی و بهتان، عملکرد حزب توده ایران را در درازای دو سال و نیم حکومت دکتر مصدق یکی از عوامل اصلی شکست این جنبش معرفی کنند.

"تاریخ" نگاری امپریالیسم و ارتجاع و عوامل آنها بمنظور خارج ساختن خویش از زیر ضربه، آن هم در کنار جویبارهای اشک و خونی، که خود آفریده‌اند، امری بدور از انتظار نیست. چرا که تحریف تاریخ جنبش ملی معاصر خود جزئی از همان کودتا و ادامه مستقیم آنست. ماهیت تلاش خستگی ناپذیر امپریالیسم و ارتجاع با مباران تبلیغاتی روشن است. آنها می‌خواهند، بذر تفرقه در بین نیروهای انقلابی و بدبینی نسبت به آنها در بین توده‌های مردم را بیافشانند. ولی در این بین، حرف بر سر برخورد نیروهای انقلابی و ترقی خواه است. این نیروها در نگرش نباید در سطح بمانند. آنها برای راه بردن به ژرفا و تجربه اندوزی، بجای غرق شدن در بررسی عوامل و عناصر و رویدادهای فرعی یا پدیده‌های ناپایدار و گذرنده، آنها بدون پیوند و ارتباط متقابل رویدادها و پدیده‌ها باید یکدیگر، باید بقیه در ص ۲

در تاریخ معاصر ایران نه روز کودتای ننگبار امپریالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد روزی است عادی و نه سالروز آن. ۲۸ مرداد زخم ژرف و خونچکانی است بر بیکر زندگی تاریخی خلق ما. ۲۸ مرداد، فاجعه ایست، که در بستر پر چرک و درد و خون آن حکومت قانونی دکتر مصدق واژگون گردید و بساط ۲۵ سال فرمانروایی رژیم خودکامه شاه و وابستگی کامل زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی کشور ما گسترده شد.

عده‌ترین آماج کودتای ۲۸ مرداد سرکوب جنبش آزادیبخش ملی خلق ایران و راهگشایی برای دست اندازی امپریالیست‌ها بر داروند مردم کشور ما، بویژه بر صنعت نفت، بود. امپریالیست‌ها، همچنین می‌خواستند، از ایران بعنوان سرپلی برای پیشبرد نقشه‌های دیسه پیردازانه خود بر ضد کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزادیبخش ملی خلقهای منطقه بهره برداری کنند.

جنبش مردم ایران در راه ملی کردن نفت، که یکی از درخشانترین برگهای تاریخ جنبش آزادیبخش ملی خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته بشمار می‌رود، از آن رو زیر سنگینترین آتش حملات دشمنانه امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفت، که از نظر ماهیت و ظایفی که در دستور داشت، بالقوه می‌توانست به یک انقلاب ملی و دمکراتیک پیروزمند فرا روید و دست یغماگر امپریالیسم و ارتجاع را از میهن ما قطع سازد و برای مردم ایران میوه‌های شیرین استقلال و آزادی را به ارمغان آورد.

در آستانه سی و چهارمین سالگرد شکست جنبش ملی کردن نفت، نیروها، سازمانها و احزاب انقلابی، ملی و دمکراتیک باید با مسئولیت شناسی و صداقت انقلابی به درس آموزی از تجربیات آن بپردازند. درسهای این شکست توشه‌ای است از دیروز برای امروز و فردا. نیروهای انقلابی و مترقی بویژه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در میهن ما، در برخورد به تجربه‌های خونین ۲۸ مرداد همواره باید در نظر داشته باشند، که امپریالیسم و ارتجاع برای دامن زدن هر چه بیشتر به تفرقه و چندپارچگی در میان گردانهای مدافع زحمتکشان و

پیام به کنگره کمونیست‌های آمریکا

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام زیر را به بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، که روز ۱۳ اوت ۱۹۸۷ در شیکاگو آغاز بکار کرد، فرستاده است:

رفقای ارجمند،

کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای انقلابی همه کمونیستهای ایران را به کنگره بیست و چهارم حزب پرافتخارتان تقدیم می‌دارد.

بقیه در ص ۶

درصحات نقد

سورهای نمایندگی خلق در اتحاد شوروی

آقای وزووفمودید انصاف...؟! در ص ۲
اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی در ص ۸

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

۲۸ مرداد: میوه زهر آگین *

با ژرفنگری درون کاوانه به ارزیابی عینی وضع موجود در مقیاس ملی و بین المللی، مناسبات حاکم بین نیروها و قشرها و طبقات اجتماعی و احزاب و سازمانهای بیاتر منافع آنها و نیز ماهیت و شیوه های عملکرد امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی آنها در روبرویی با جنبش خلق بهره ازنند. ارائه چهره شگفته شده و آمیخته به دروغ و تحریف از رویدادها و نتیجه گیریهای ذهن گرایانه به هیچ نیرویی خصلت انقلابی یا حقانیت تاریخی نبخشیده و نمی بخشد.

مهمترین عنصری، که از "چپ" و راست برای تخطئه حزب ما ارائه می شود، عبارت از اینست، که گویا حزب مادر شرایط دشوار مبارزه دکتر مصدق و باران صادق را تنها گذاشته و همین امر زمینه به انجام رسیدن کودتا را فراهم کرده است. کیست نداند که در آن سالها نیز، همانند امروز، حزب ما برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک اهمیت فوق العاده قائل بود و در راه ایجاد جبهه متحد خلق از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد. حزب ما، که نه تنها در شرایط دشوار مخفی مبارزه می کرد و از کوچکترین حمایتی از سوی مصدق و جبهه ملی برخوردار نبود، بلکه افزون بر ضربات ارتجاع و امپریالیسم، زیر چتر سرکوب آنها هم قرار داشت، هیچگاه در لحظات سخت و حساس دست گرم پشتیبانی خود را از شانه های دکتر مصدق دور نداشت و کارهای مثبت او را نادیده نمانگاشت. در سی ام تیر ۱۳۲۱، کودتای شهریور - مهر ۱۳۲۱، در نهم اسفند ماه ۱۳۲۱ و در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۲۲ حزب ما دولت مصدق را از سقوط حتی نجات داد و در ۲۸ مرداد هم با تمام توان آمادگی خود را اعلام داشت، پای فشرد و نیکخواهانه دست اتحاد بسوی او دراز کرد، ولی دولت مصدق در فضای مسموم توده ای و کمونیسم ستیزی آفریده امپریالیسم و ارتجاع و جناح راست جبهه ملی بیش از پیش دست خود را پس کشید و عرصه را بسود کودتاگران خالی کرد.

در عین حال، حزب توده ایران هرگز مدعی آن نبوده و نیست، که در اثر عملکرد برخی عوامل عینی و ذهنی، در راه اجرای وظایف خویش در جریان جنبش ملی شدن نفت دچار اشتباهاتی هر چند بسیار خرد، تاکید می کنیم بسیار خرد، و صد البته غیر قابل قیاس با اشتباهات فاحش و جبران ناپذیر رهبری بورژوازی ملی گردید. اشتباهات خرد یعنی تاخیر حزب ما در درک اهمیت شعار ملی شدن نفت - که اساسا نمی توانست در آن مرحله، تاثیر قابل توجهی در سرنوشت آتی جنبش داشته باشد - قلع نظر از جوانی و کم تجربگی حزب، زائیده عواملی مانند سرسیردگی تقریبا نیمی از بنیانگذاران اولیه جبهه ملی نیز بود. خاطرنشان می سازیم، بطور مشخص برای حزب توده ایران مسلم بود، که ۹ نفر از بنیانگذاران جبهه ملی (مطابق بقاشی، حسین مکی، حاشری زاده، عبدالقدیر آزاد، عباس خلیلی، عمیدی نوری، احمد ملکی، جلالی نائینی و ارسلان خلعتیری) از نوکران حلقه بگوش امپریالیسم بودند و دکتر مصدق با وجود آگاهی کامل از ارتباط این گروه با سفارت آمریکا، هرگز گامی در راستای جدا کردن حساب خود از آنها برنداشت.

گذشته از اینها، آن نیروهای سالم و صادق و

انقلابی که انگشت هزار اتهام بسوی ما دراز می کنند کوچکترین توجهی به این مسئله بر اهمیت ندارند، که جبهه ملی، برخاسته از ماهیت طبقاتی اش، شعار ملی کردن صنعت نفت را هیچگاه با تمام ژرفای آن - بمعنی یک انقلاب ملی و دمکراتیک - درک نکرد و مصدق و بارانش حتی تا ۲۸ مرداد هم حاضر نشدند بپذیرند، که بدون یک دگرگونی اجتماعی و بدون یک تغییر بنیادی سیاسی، شعار ملی کردن نفت در شرایط ایران قابل اجرا نیست. با این وجود، حزب ما، ولو با اندکی درنگ، شعار ملی شدن نفت جبهه ملی را بطور کامل پذیرفت و تا پایان از آن به دفاع پرداخت. حال آنکه اکثریت رهبران جبهه ملی از همان روزی که بناچار این شعار را بپذیرفتند، به آن خیانت کردند و از اجرای آن جلوگیری بعمل آوردند.

دیگر آنکه دولت مصدق هیچگاه گامی در جهت نزدیکی به دوستان و دشمنان راستین خود در داخل یا در سطح بین المللی برنداشت. مثلا: حکومت مصدق، پس از محاصره اقتصادی ایران از سوی دولت های امپریالیستی و اعلام شعار "اقتصاد بدون نفت"، همزمان با دست رد گزاردن بر سپنه

برای درهم شکستن توطئه خائنانه امپریالیستی برای سرنگون کردن حکومت ائتلافی آو باش و پسر رضاخان در جبهه واحدی متحد شویم

ما در این ساعات بحرانی یکبار دیگر از دکتر مصدق و طرفداران او، از فراسوی نهضت ملی، از حزب ایران، جامعه اصناف و بازرگانان، احزاب نیروی سوم، بان ایرانیست و آزادی مردم ایران و کایه عناصر میهن دوست و باشراف که حاضرند تحمل حکومت جاهلها و خائنین، حکومت مزدوران امپریالیسم امریکا و انگلیس نبینند دعوت میکنیم که صرف نظر از اختلاف عقاید سیاسی در صف واحدی متحد شویم.

هموطن عزیز، مبارزان ضد استعمار!

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در عصر روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲

مصدق قرار داشت. که دتا در متن بی پاسخ گذاردن یا پاسخ رد دادن به فراخوانها و هشدارهای ما از سوی دیگر نیروها انجام شد. حزب حتی پس از کودتا نیز به پیروی از سیاست اصولی و انقلابی و همیشگی خود از مصدق خواست تا پاپیش بگذارد و از نیروی توانمند توده ها و حزب ما برای درهم شکستن کودتا بهره بکیرد. اما مصدق از انجام این وظیفه میبهری سرباز زد و به مراجعات مکرر ما جواب رد داد. اگر نیروهای ملی و ضد امپریالیست به فراخوان ۲۹ مرداد حزب ما نیز پاسخ مثبت می دادند، چه بسا حوادث سست و سوی دیگری می یافت و پیامدهای دیگری می داشت.

اینک با گذشت ۲۴ سال از کودتا و آگاهی مردم و گردانهای پیشین آن از نتایج آزادی کشانه و استقلال شکنانه آن باید گفت که درسهای خونین فاجعه ۲۸ مرداد گلهای پژمرده ای نیستند، که بشود آنها را بر پریر کرد و بدست باد حوادث سپرد. این درسها هنوز هم فعلیت دارند و تا زمانیکه خلق از باغ جنبش خود میوه پیروزی رانچیده است، همچنان تازه و آموزنده اند. اگر دیروز کودتا به ثمر رسید، بخاطر آن بود که دست نیروهای انقلابی، ملی و

دمکراتیک در دست

یکدیگر گره نخورد. و همین عامل پس از پیروزی انقلاب نقش بسیار پراهمیتی در ناکامی انقلاب بهمین و کامیابی رژیم در یورشهای خونبار به نیروهای انقلابی و دمکراتیک ایفا کرد. امروز نیز اگر احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکراتیک نتوانند زبان مشترک پیدا کنند

و در جبهه متحد خلق گردهم آیند، نمیتوانند در ارتجاع حاکم بر ایران پیروز شوند. اینکه رژیم خمینی، علیرغم بحران ژرف اجتماعی - اقتصادی و ناخشوندی گسترده توده ها، همچنان بر سر پا است، نه از توانایی آن، بلکه از ناتوانی نیروهای انقلابی در غلبه بر تفرقه و پراکندگی موجود سرچشمه می گیرد.

در شرایط کنونی، بخاطر منافع خلق و انقلاب باید ضرورت اتحاد به مفهوم وسیع آن از سوی همه نیروها، احزاب و سازمانها درک و گامهای عملی در این راستا برداشته شود تا راه پیروزی خلق هموار گردد. به باور ما، تنها سازمانها و احزابی از اتحاد هراس دارند که نسبت به پیگیری و قاطعیت انقلابی و نیز حقانیت تاریخی خود اطمینان ندارند. شایسته نیست، نیروهای انقلابی، مانند دیروز، برای اثبات اینکه توده ای نیستند، در کارزار توده ای ستیزی جایی را برای خود اشغال کنند. از آنجائیکه از سوی امپریالیسم و ارتجاع به راه انداختن کارزارهای توده ای ستیزی به یکی از اشکال پراهمیت دامن زدن هر چه بیشتر به تفرقه و پراکندگی در میان نیروهای انقلابی تبدیل شده است، ما روبرویی هشیارانه با این کارزارها را وظیفه انقلابی همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک می دانیم. همچنین بار دیگر با درک ژرف از مسئولیت تاریخی حزبمان، همه احزاب و سازمانهای انقلابی، ملی و دمکراتیک را برای تشکیل جبهه متحد خلق بمنظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فرامی خوانیم.



شوراهای نمایندگان خلق در اتحاد شوروی

در اتحاد شوروی، شوراهای نمایندگان خلق، سیستم واحد ارگانهای نمایندگی قدرت را تشکیل می دهند. این سیستم که منعکس کننده ساختار فدرالی - سوسیالیستی کشور چند ملیتی شوروی است، از شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۱۵ شورای عالی جمهوری های متحد و ۲۰ شورای عالی در جمهوری های خودمختار و همچنین بیش از ۵۲۰۰۰ شورای محلی؛ شوراهای مناطق، استانها، شهرها، شهرکها، محلات، دهستانها و روستاها تشکیل می شود. تعداد کل نمایندگان این شوراهای بیش از ۲/۲ میلیون نفر است.

بالترین ارگان قدرت دولتی کشور، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که پارلمان شوروی است. این ارگان قوانین را تصویب می کند، شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (دولت شوروی) را تشکیل می دهد، برنامه های رشد اقتصادی و اجتماعی کشور را تصویب می کند و بر کار همه ارگانهای دولتی از جمله شورای وزیران اتحاد شوروی نظارت می کند.

بالترین ارگانهای قدرت دولتی در جمهوری های متحد و خودمختار نیز شورای عالی خود این جمهوری هاست.

شوراهای محلی در قبال هر گونه فعالیتی در روستا، شهر، منطقه یا ناحیه خودمختار مربوطه مسئولند. این شوراهای رعایت قوانین، اجرای کنترل بر نحوه استفاده از زمین، سرپرستی کار مداس و سایر مؤسسات آموزشی، تامین بهداشت رایگان شهروندان، اداره برنامه بازنگینی دولتی، حفظ نظم عمومی، حفاظت از اموال عمومی و شخصی و غیره را تضمین می کنند.

همه ارگانهای اجرایی محلی توسط شوراهای انتخاب می شوند و در برابر آنها کاملاً پاسخگو هستند. ارگانهای محلی حکومتی یعنی شوراهای اتحاد شوروی، برخلاف ارگانهای حکومت محلی در بسیاری از کشورهای غربی، قدرت وسیع اقتصادی دارند. این ارگانها مسئول همه خدمات هستند و بر کار موسسات و سازمانهایی که در قلمرو کار آنها قرار دارند نظارت می کنند.

در سیستم سیاسی شوروی احراز مقام نمایندگی شغل نیست. نمایندگان شوراها در تمام سطوح و وظائف نمایندگی خود را بدون متوقف ساختن کار روزمره خود انجام می دهند. این روش از یک طرف آنان را قادر می سازد که همیشه در میان انتخاب کنندگان خود باشند و آگاهی دقیقی از منافع، نیازها و خواسته های آنان داشته باشند و از طرف دیگر این وضعیت فرصت بازبینی کار نمایندگان، طرح پیشنهادها و خواستهها و در صورت لزوم حسابرسی کار آنان را به انتخاب کنندگان می دهد.

کارکنان شوراها بطور مداوم تغییر می کنند و اشخاص با لیاقت به مقامات رهبری آنها ارتقا می یابند. طبق قاعده، با هر انتخابات ترکیب نمایندگان نو می شود و بیش از نیمی از نمایندگان انتخابی، جدید هستند. در نتیجه، در بیست سال گذشته، بیست میلیون نفر در اثر کار در شوراهای



اداره* امور دولتی تجربه کسب کرده اند.

انتخابات همه ارگانهای قدرت دولتی بر پایه حق انتخاب مستقیم، برابر و همگانی با رای مخفی صورت می گیرد. قانون هیچگونه محدودیتی در نامزدی کاندیداها بر اساس موقعیت اجتماعی یا دارائی، مذهب، ملیت یا جنسیت اعمال نمی کند. تنها محدودیت موجود مربوط به سن است. برای انتخاب شدن به عضویت شوراهای محلی یا جمهوری ها، شخص باید ۱۸ سال داشته باشد و برای انتخاب شدن به عضویت شورای عالی اتحاد شوروی (۲۱ سال).

سازمانهای عمومی و هر یک از شهروندان حق دارند برای کاندیداها خود بدون هیچگونه ممانعتی تبلیغ کنند. همه هزینه های لازم برای سازماندهی انتخابات از جمله هزینه سفر کاندیداها به سراسر کشور و شرکت آنها در برنامه های رادیویی و تلویزیونی توسط دولت پرداخت می شود. به این ترتیب همه طبقات و گروههای اجتماعی در اتحاد شوروی فرصت دارند در اداره امور دولتی شرکت کنند. در ترکیب کنونی شورای عالی اتحاد شوروی از مجموع ۱۵۰۰ نماینده، ۵۲۷ نفر کارگر و ۲۴۲ نفر کشاورزند که این دو گروه در مجموع ۵۱/۱ درصد از نمایندگان یعنی اکثریت شورای عالی را تشکیل می دهند. در میان سایر اعضای شورای عالی، اقتصاددانان، دانشمندان و مهندسان، کارکنان امور فرهنگی، آموزش و بهداشت عمومی، مدیران صنایع و رؤسای موسسات و سازمانهای دولتی و اجتماعی وجود دارند. در مجموع، ۴۲۵ نفر یا تقریباً یک سوم از کل نمایندگان زن هستند.

سهم کارگران و کشاورزان در میان نمایندگان شوراهای محلی حدود ۷۰ درصد است.

برنامه کار شوراها در اتحاد شوروی، با وعده های پیش از انتخابات نمایندگان تعیین نمی شود بلکه نظرات انتخاب کنندگان آنرا تعیین می کند. این نظرات، خواسته های جمعی است که به شکل برنامه های انتخاباتی از سوی انتخاب کنندگان در جلسات پیش از انتخابات به نامزدها داده می شود. این برنامه ها معمولاً بیانگر خواسته های کاملاً مشخص هستند. برای نمونه، انتخاب کنندگان شهر "امسک" در سیبری از نمایندگان جدید منتخب خود خواستند که فرودگاه شهر را به محلی دورتر از شهر در حال توسعه منتقل کنند، ساختمان جدیدی برای تئاتر موزیکال شهر بسازند و کنار هر ساختمان محل سکونت معلولین پارکینگهای ویژه احداث کنند.

هر نماینده شورای عالی اتحاد شوروی یا جمهوری های متحد باید دست کم یکبار در سال نماینده شوراهای محلی باید حداقل دو بار در سال درباره کار خود در شورا و اقداماتی که برای تحقق برنامه انتخاباتی انجام داده است، به انتخاب کنندگان خود گزارش بدهد.

نماینده ای را که از انجام وظائف خود غفلت کند و نتواند در جهت اجرای برنامه انتخاباتی اش گام بردارد، یا به آنان گزارش ندهد یا نتواند به

خبر از خیزگاه رنج

خبر از خیزگاه رنج می آمد
به لب آورده کف وحشی

چو تیری بود آتشخو
که سوزد سینه ای را در گذرگاهی
و در پسکوچه های تنگ و تارشب
بر آرد از گلوی رهگذر آهی

خبر تبار بود از خلق
که با جان میم
بر ویرانی امیدهایش
شعله می افروخت

و از سوی دگر
از هرم جان سوزستم
می سوخت

خبر از انتظار پیر مردی گفتگو می کرد،
که در داغ پسر هر شب سرشک گرم او
در پشت دیوار "اوین" می ریخت
و قلبش شرحه شرحه
بر طناب گرم کاردار
می آویخت

ریا از کودکی می گفت
که در سلول تنگت جسم را اکرده
(با خورشید بیگانه)

و تنها معنی آن را
میان چشمه ساز جسمهای مادرش حس کرد
که با هر ضربه جلد "نه" را بر زبان می راند
(شبی هم بی صدا اعدام شد آن زن)

خبر از دستهای هرزه در کار،
از اهرمین بیداد
خبر، از جنگ
از دشنام

ویرانی
خبر از خیل زندانی
خبر از جور زندانبان
خبر از گورهای بی شماران
خیل بی نامان
خبر از فوج بیکاران
خبر از خود فروشی های دلان
خبر از روسپی نامردمان می گفت
بابرگی سازی از غل و زنجیر

خبر از انفجار خشم می گوید
خبر از بغض باروتی
ناهید
اردیبهشت ۶۶

تقاضاهای انتخاب کنندگان پاسخ دهد می توان بیش از انقضای مدت خدمت از کار برکنار کرد. در مدت ده سال گذشته، انتخاب کنندگان نزدیک به پنج هزار نماینده شوراهای مختلف را از کار برکنار کرده اند. بنابراین در شوراهای اتحاد شوروی مسئولیت نمایندگان در برابر انتخاب کنندگان مساله ای تشریفاتی نیست بلکه اصلی بنیادی در عملکرد ارگانهای حکومتی در تمام سطوح است.

موج اعتراض در "جنرال استیل"

در کارخانه پروفیل و بیخچال "ایران پویا" ("جنرال استیل") تهران، حق بهره‌وری تولید کارگران قطع شده است و مدیریت این کارخانه به بهانه کاهش تولید از پرداخت آن خودداری می‌کند. کارگران این کارخانه که بالغ بر هزار و سیصد نفر می‌شوند و بطور متوسط سالانه پانزده هزار تومان بابت حق بهره‌وری دریافت می‌کردند، برای دریافت این حق مسلم خود روز بروز بر دامنه اعتراض‌هایشان می‌افزایند.

حجم تولید کارخانه، بدلیل کمبود مواد اولیه و بی‌لیاقتی مدیران باصطلاح "حزب الهی" بشدت پائین آمده است، بطوریکه تولید روزانه بیخچال نسبت به سال ۶۴ از هشتصد تا ۹۰۰ دستگاه به حد اکثر ۱۰۰ دستگاه و تولید روزانه انواع پروفیل مورد مصرف در وینجره آلومینیومی از هفتادتن به کمتر از ده تن کاهش یافته است که آن هم عمدتاً در اختیار سیاه‌قراری می‌گیرد.

مدیریت کارخانه برای جبران کسری درآمد به قیمت بیخچال و پروفیل افزود. قیمت هر دستگاه بیخچال قبلاً ۲۳۰۰۰ ریال بود که در سال ۶۵ به ۶۷۰۰۰ و در سال ۶۶ به بهانه افزایش توان مالی کارخانه برای تهیه مواد اولیه از "بازار آزاد" به ۹۰۰۰۰ ریال افزایش داده شده و بمنظور تثبیت نرخ جدید دولتی مدیریت از فروش بیخچال خودداری می‌کند و هم اکنون بیش از ۱۲ هزار دستگاه بیخچال در انبارهای کارخانه احتکار شده است.

ساختن "پناهگاه" نیز زمینه‌ای برای سوء استفاده‌های مالی در "ایران پویا" شده است. کارگران معتقدند پنج میلیون تومان اعتباری که به ساختن پناهگاه اختصاص داده شده، می‌توانست بعنوان حق بهره‌وری به کارگران داده شود. آنان پناهگاههای در دست ساختمان را گورستان جمعی خود نامگذاری کرده‌اند.

وضع رفاهی کارگران روز بروز بدتر و هر روز یکی از مزایای آنان قطع می‌شود. مدیریت کارخانه تاکنون دو بار مبادرت به توزیع فرم باز خرید در



از کارخانه‌ها زندگی و رزم کارگران

میان کارگران کرده است، اما اکثریت کارگران حاضر نیستند باز خرید شوند، بویژه به این دلیل که میزان حق باز خرید پیشنهادی نسبت به سایر کارخانه‌ها بسیار پائین‌تر است. فقط حدود پنجاه نفر از کارگران ناگزیر از پذیر کردن فرم شده‌اند، با اینحال روز بروز بر فشار مدیریت برای وادار ساختن کارگران به دادن استعفا افزوده می‌شود. در این کارخانه تاکنون چندین بار ساعات کار تغییر داده شده و بدین ترتیب برنامه زندگی کارگران بهم ریخته می‌شود. در شرایط کنونی ساعات کار در دو شیفت، یکی از ۶ الی ۱۴ و دیگری از ۱۴ الی ۲۲ تعیین شده و پنجشنبه‌ها نیز یک در میان روز کار اعلام گردیده است. نهار نیز از برنامه روزانه کارخانه حذف شده و کارگران می‌گویند مدیریت می‌خواهد پول نهار را هم بالا بکشد. اضافه کاری کارگران نیز کلاً قطع شده است. بگفته کارگران مدیریت از یکسو به بهانه کمبود مواد اولیه اضافه کاری و حق بهره‌وری را قطع می‌کند و از سوی دیگر به ساعات کار روزانه می‌افزاید و حتی پنجشنبه‌ها نیز یک در میان کارگران را بکار می‌کشد.

کارگران "ایران پویا" بدلیل گوناگون، از جمله ضعف سازماندهی و فشاری که متوجه عناصر پیشرو می‌شود هنوز نتوانسته‌اند آنچنان که باید بکند و یک زبان شوند و به اعتصاب و یا یک حرکت اعتراضی وسیع بپردازند. برخی از کارگران دچار امراض عصبی شده‌اند و تاکنون چند مورد سکنه و یک مورد خودکشی در میان آنان دیده شده است. برخی از کارگران نیز برای تأمین کمبود هزینه معاش در

ساعاتی که تعطیل می‌شوند به دستفروشی و کارهای سیاه می‌پردازند.

مدیر عامل دولتی این کارخانه شخصی بنام فتاحی، از دانشجویان عضو انجمن اسلامی، اخراج شده از انگلستان است. وی که اخیراً ارتقا مقام یافته و به سمت مدیریت گروه "ذوب و فلزات بنیاد مستضعفان" منصوب شده است از چند محل حقوق می‌گیرد و از تمام امکانات موجود برای نفع طلبی شخصی بهره می‌جوید. میر محمد صادقی، قائم مقام مدیر عامل نیز دست کمی از او ندارد و کارخانه "جنرال استیل" وسیله سودجویی و نردبام ترقی آنان شده است.

شورای انتخابی کارگران "توشیبا"

بلا تکلیف است

رد شدن "صلاحیت" شورای انتخابی در "توشیبا"ی رشت از جانب "انجمن اسلامی"، فشار مسئولان برای باز خرید شدن کارگران و نظامی کردن خط تولید در این کارخانه، اعتراض‌های پراکنده‌ای را بدنبال داشته است.

"توشیبا" با تولید روزانه ۸۰۰ پلوپوز، ۴۰۰ آب میوه‌گیری، ۵۰۰ پنکه و مقادیری لامپ و مهتابی، بیش از سه هزار نفر کارگر دارد که بالغ بر پنجاه درصد آنان زن هستند. در اجرای تصمیم نظامی شدن خط تولید در کارخانه‌های مختلف، مسئولان این واحد نیز از آغاز سال ۶۶ تصمیم به تولید بوکه تیربار گرفته‌اند. از نیمه سال ۶۵ به کارگران "توشیبا" تکلیف می‌شود که باز خرید شوند، اما تنها ۸۰ نفر کارگر (۶۰ مرد و ۲۰ زن) زیر بار رفته‌اند. همچنین "شورای اسلامی" انتخاب شده از جانب کارگران در بلا تکلیفی بسر می‌برد.

علاوه بر خواستهای صنفی، کارگران مخالف نظامی شدن خط تولید و خواستار به رسمیت شناخته شدن شورای انتخابی خود هستند.

همچنین خبر دیگر حاکی از آن است که کارگران "توشیبا" در زمینه پرداخت وجه نقد بجای بن کارگری به کارگرانی که در ماه مرخصی بدون حقوق گرفته باشند و یا غیبت کرده باشند،

برای مقابله با معافیت تحصیلی

امسال آموزش و پرورش کوشید تا در انتخابات سال آخر دبیرستان پسران "سخت‌گیری" نکند و شمار مردودین راه پائین‌ترین سطح برساند. در این چارچوب، همچنین تصمیم گرفته شده است که علاوه بر شهریور، در آذر ماه نیز از تجدیدی‌ها امتحان بعمل آید.

رژیم که می‌داند اکثریت این دانش آموزان - که بخش مهمی از آنها برای فرار از خدمت سربازی عمدتاً کاری می‌کنند که مردود و یا تجدید شوند - به دانشگاه راه نخواهند یافت، به این وسیله می‌کوشد که بهانه استفاده از معافیت تحصیلی را از آنها سلب کند و "گوشت دم توپ" را تدارک ببیند.

زمیندار قزوینی زندان می‌سازد

یکی از زمینداران بزرگ قزوین بنام داود کیلانی، نماینده مجلس فرمایشی در زمان شاه، که پس از پیروزی انقلاب به رامسر تبعید شده بود، اکنون به این شهر باز گشته است. وی تقبیل کرده است که ساختمان زندان "چوبندر" قزوین را تکمیل کند و گسترش دهد.

تحصن زنان در مشهد

بالغ بر صد نفر از زنان ساکن خانه‌های تازه‌ساز انتهای خیابان خواجه ربیع مشهد با تحصن در خیابان مقابل استانداری خراسان ایجاد راه‌بندان کردند. در جریان این تحصن، که در نوزدهم خرداد ماه انجام شد، زنان خواستار آب لوله‌کشی شدند. آنها می‌گفتند: ما مدتهاست که با کسب مجوز از شهرداری و گرفتن پروانه ساختمان سرپنجمی برای خود ساخته ایم ولی در این چند سال از دادن آب لوله‌کشی به منطقه ما خبری نیست و مجبوریم با سطل از راه دور آب بیاوریم و در کثافت زندگی کنیم. زنان پیش از تحصن نماینده خود را نزد استاندار فرستاده و چون نتیجه‌ای گرفته بودند، تصمیم گرفتند، با اجتماع در مقابل استانداری و جلب نظر مردم بخواست خود جامه عمل بپوشانند. مأموران استانداری کوشیدند تا با سخنان نرم آنان را داخل استانداری بکشانند، اما موفق نشدند. در نتیجه تعداد زیادی اتومبیل در دو سوی تحصن کنندگان متوقف شد و مردم زیادی اجتماع کردند. سرانجام زنان یاد شده با گرفتن قول مساعد از سر راه اتومبیلها کنار رفتند. آنها قسم می‌خوردند که اگر به خواستشان عمل نشود مبارزه‌شان را ادامه می‌دهند و فریادشان را بگوش همه خواهند رساند.



از میهن در بند

به مامی نویسند

مخالفت با دستگیری جوانان در تبریز

از تیر ماه "مبارزه بابی حجابی و بدحجابی" در تبریز با پیگیری بیشتری از جانب نیروهای سرکوبگر دنبال می‌شود. عوامل رژیم با ماشینهای گشت و مینی‌بوس بر اه می‌افتند و به بهانه‌های مختلف زنان و دختران را به "کمیته مرکزی" و "دادسرای انقلاب اسلامی" جلب می‌کنند. علاوه بر آن، تعقیب و دستگیری جوانان برای اعزام به جبهه بشدت ادامه دارد. تاکنون برخوردهای مختلفی بین مردم و گشت‌های مخالف با دستگیری جوانان و بهانه‌جویی از زنان و دختران جوان روی داده است.

همچنین در دبستانها و دبیرستانهای تبریز نیز برخی از مسئولان مدارس وظیفه اصلی خود را تحت الشعاع مبارزه با "بی‌حجابی" و "بدحجابی" و فریب جوانان و نوجوانان برای اعزام به جبهه قرار داده‌اند. در آموزش و پرورش تبریز اغلب آموزگاران و دبیران با سواد و باتجربه با یازنشته و یا تصفیه شده‌اند.

نامه "ای بازتاب یافته است، که اعضا هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس هر شرکت تعاونی ناکزیر از پر کردن آن شده اند.

مسئولان مجتمع رژیم در "وزارت کار و امور اجتماعی" و یا "اداره نظارت و حسابرسی شرکتهای تعاونی" می دانند که بویژه توده ایها بمقابله پیکرترین مدافعان حقوق و منافع زحمتکشان، از جمله در تعاونی های مصرف و کارگری، هر جا که حضور داشته باشند، با تمام توان خود مانع سو استفاده عوامل سود جو می شوند. بهمین دلیل برای دور کردن آنها و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی از سراه سرمایه اندوزان و غارتگرانی که تعاونی ها را وسیله سود جوئی قرار می دهند، به هر ترفندی، از جمله گرفتن "تعهد نامه"، دست می یازند. در این چارچوب، بسیاری از کسانی که "مخل" کار عوامل رژیم در تعاونی ها شده اند و می شوند نیز مارک "توده ای" یا "طرفداری از گروهکها" خورده و می خورند. ارگانهای یاد شده



بازرسان سازمان تأمین اجتماعی به کارخانه آمدند و پس از بررسی دفاتر مربوطه از مسئولان این واحد خواستند که برای پیشگیری از گسترش اعتراض کارگران وجوه مربوطه را بپردازند. پس از یک هفته کارگران به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه کردند و دفترچه های بیمه خود را دریافت داشتند و با "تأمین اعتبار" کردند.

همچنین در بحثی که اخیراً در بین کارگران واحد یاد شده بر سر باز گرداندن کارخانجات به سرمایه داران فراری و "فروش" کارخانه های ورشکسته به کارگران در گرفت، تنها یک نفر از مدافعان رژیم موافق بود که کارخانه ها باید به صاحبان متواری آنها برگردانده شود. او نیز در مقابل استدلال کارگران بی دفاع ماند و تسلیم نظر جمع شد.



خود را مجاز می دانند که به دستاویز "تعهد نامه" ای که در دست دارند، "استغفای اشخاص مورد نظر خود در تعاونی ها را به "اداره" ثبت شرکتها" اعلام کنند.



چرا از اعضا تعاونی ها "تعهد نامه" می گیرند؟

هراس رژیم ج.ا. از "نفوذ" نیروهای انقلابی و مترقی در شرکتهای تعاونی در "تعهد

مدیریت را شدیداً مورد اعتراض قرار داده اند. یکی از مسئولان تعاونی مصرف کارخانه گفته است، چون دولت قادر نیست جنس کافی در اختیار تعاونی ها قرار دهد، در کارخانه های مختلف به بهانه های گوناگون می کوشند که بجای بن وجه نقد بپردازند. کارگران که می دانند مایحتاجی را که می شود از تعاونی گرفت باید با چند برابر قیمت از بازار آزاد بخرند، زیر بار این تصمیم مدیریت نمی روند.

خواسته های کارگران "پروفیل سبک"

اخیراً در کارخانه "پروفیل نیمه سبک" تهران طوماری با خواسته های زیر به اعضا اغلب کارگران رسید:

- پرداخت حق طبقه بندی مشاغل مربوط به سالهای ۶۲ تا ۶۴ (این طرح که می بایستی از سال ۶۲ پیاده می شد، از سال ۶۴ به اجرا درآمد).
- برداشت سنوات عقب افتاده کارگران و نیز افزایش حقوق پایه مربوط به سال ۶۵ (روزی ۱۰ تومان).
- انجام روزی نیم ساعت اضافه کاری و تعطیل روزهای پنجشنبه.

اعضا "انجمن اسلامی" به اتهام تهیه طومار موجب اخراج یکی از کارگران شدند، اما اعتراض شدید کارگران سبب شد که همکار اخراجی به کارخانه باز گردد و در قسمت دیگر به کار "غیر تخصصی" مشغول شود. کارگر اخراجی در اعتراض به این تصمیم از کار استعفا کرد. درگیری بین کارگران و عوامل رژیم بر سر مفاد یاد شده همچنان ادامه دارد.

در "کرم گالوانیزه ایران"

کارگران "کرم گالوانیزه" ایران - تهران، هنگامی که برای دریافت دفترچه خدمات درمانی به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه کردند، متوجه شدند که از شش ماه تا یکسال پیش سهم بیمه کسر شده از مزدشان به حساب مربوطه واریز نشده است. این مسئله سبب اعتراض شدید کارگران شد. در نتیجه

خان به "جمعه بازار" برگشت

شخصی بنام اسماعیل خان اکبر، که پیش از انقلاب از مغازه های "جمعه بازار" رشت اجاره می گرفت و پس از پیروزی انقلاب به خارج از کشور فرار کرده بود، اینک باز گشته است. وی به کمک برخی از روحانیون و نماینده خمینی در رشت برای باز پس گرفتن "حقوق غصب شده" و "اموال" خویش تلاش می کند.

مغازه داران "جمعه بازار" از بازگشت "خان" به شدت خشمگین اند و خواستار اقدام عاجل مسئولان شده اند.

فرار از سربازی

در مشهد موارد متعددی از رویارویی مشمولان و سربازان فراری با عوامل رژیم دیده می شود. از جمله، چندی پیش هنگامیکه گروهی از مشمولان دستگیر شده را سوار اتوبوس می کنند و همراه با دو درجه دار مسلح برای تحویل دادن به پادگان در زاهدان روانه می کنند، دستگیر شدگان با استفاده از یک فرصت مناسب درجه داران را خلع سلاح می کنند، دست و پای آنان و راننده را می بندند و در جاده راه می کنند و خود با اتوبوس به حوالی مشهد

است. امام جمعه این شهر بارها بخش مهمی از سخنرانی جمعه خود را به این مسئله اختصاص می دهد و می گوید: اگر نویسندگان شعر نمی ترسند، ببایند و از این تریبون حرفهایشان را بزنند. مردم می گویند که امام جمعه و دستیارانش به خیال خود می خواهند هواداران حزب سازمان را فریب بدهند و دستگیرشان کنند، اما آنها گوششان به این حرفها بدهکار نیست.

مشمولان رشت "سه میه سپاه" نمی شوند

دستگیری جوانان توسط "کمبته" و سپاه رشت برای اعزام به جبهه شدیداً ادامه دارد. عوامل رژیم هر از چندی یکی از محله ها را می بندند و به شکار سرباز فراری و مشمول می پردازند. در یورش به "بازار پله برقی" این شهر ۴ تا ۶ دستگاه اتومبیل گشت کمبته مرتباً در حال بریدن جوانان اسیر شده به کمبته مرکزی "سپاه" بودند.

هنگامی که تعدادی از مشمولان از حوزه نظام وظیفه رشت اعزام می شدند، به سرنشینان یکی از اتوبوسهای حامل مشمولان گفته شد، که آنها سهمیه سپاه هستند. این خبر موجب اعتراض مشمولان شد و از حرکت اتوبوس جلوگیری کردند. درگیری بین مشمولان و نظام وظیفه رشت در امتناع از قرار گرفتن در لیست "سه میه" سپاه تا کنون نمودهای گوناگونی داشته است.

باز می کردند و پس از رها کردن اتوبوس متواری می شوند. عوامل رژیم برای شکار جوانان در گلوگاههای مهم شهر، مثل جاده مشهد-تهران، کمین می کنند و بویژه به بازرسی اتوبوسها و مینی بوسها می پردازند. گاهی نیز بطور ناگهانی خیابانی را می بندند و در جستجوی شکار به کنترل اتومبیلها و نیز مدارک شناسایی جوانان می پردازند. تا کنون موارد نه اندک شماری زد و خورد با مأموران دیده شده است و اغلب اوقات مردم با بستن راه بر مأموران کمک می کنند تا مشمولان و سربازان فراری نجات یابند.

شعار صلح و آزادی در عجیبشیر

شعارهای "صلح"، "آزادی"، "فدائی" و توده ای، دو نیروی صلح و آزادی و دیگر شعارهایی که از رادیو زحمتکشان پخش می شود، مرکز شهر، خیابان منتهی به پادگان و مدارس پسرانه و دخترانه عجیبشیر را پوشانده است. با آن که سپاه و دیگر نهادها تلاش می کنند که شعارها را پاک کنند، موفق نمی شوند. زیرا هواداران حزب و سازمان دیگر بار در و دیوارها را از شعار پر می کنند. استقبال زحمتکشان عجیبشیر از شعارهای حزب و سازمان، زمینه های بحث و گفتگو بویژه درباره ضرورت پایان یافتن جنگ را باز کرده است. این مسئله و نیز انعکاس چشمگیر شعارها در میان دانش آموزان خشم شدید عوامل رژیم را برانگیخته

آقای وزیر فرمودید انصاف...؟!

سال ۶۵، جمعیت کشور - پس از سرشماری - رقمی نزدیک به ۵۰ میلیون نفر اعلام شد. بر اساس آمارها و بنا به گفته‌های مسئولان، از این عده حدود ۲/۵ میلیون نفر کارگر بخشهای مختلف و قریب به ۵ میلیون نفر به انجا* گوناگون - آشکارا و پنهان - جز* ارتش بیکاران محسوب می‌شوند. بافت اجتماعی ارتش بیکاران عمدتاً متشکل از کارگران اخراجی، نیروی تازه رسیده و جذب نشده* بازار کار، دهقانان بی‌زمین، کسبه و پیشه‌وران ورشکسته، مهاجران جنگی و... است. هر دو گروه، چه شاغلان و چه بیکاران، به‌مراه خانواده‌هایشان درصد شکننده‌ای از جمعیت میهن ما را تشکیل می‌دهند که نمی‌توان در مورد وضع حال و آینده* آنان نگران نبود.

مصائب و مشکلات ویژه* هر یک از گروههای نامبرده می‌تواند و باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. اما چیزی که در مورد همه* این خیل عظیم انسانی می‌توان گفت و حل آن دارای ضرورت عاجل و فوری است، بطور خلاصه عبارت است از: بیکاری و گرسنگی.

آن که امروز نیز شاغل است امیدی به فردا ندارد. یکی از نمایندگان کارگران در هیأت حل اختلاف می‌گوید: "مثلاً پیش آمده کارفرمایی از رنگ کت و شلوار کارگری خوش نیامده و کارگر را با ۲۰ سال خدمت، که فقط در آن مدت کارگر ۱۰ سالش را بیمه بوده است اخراج می‌کند و این کارگر با سن بالای ۵۰ سال، با سابقه‌ای طولانی همه چیز را از دست می‌دهد."

و در اینجاست که رژیم "حامی مستضعفین" با "قاطعیت" وارد صحنه می‌شود. مؤمنان، معاون وزیر کار می‌گوید: "در صورت مشاهده* اخراج غیر منطقی و راهی فوراً به مدیران مربوطه نصاب لازم داده شده و تعهدات آنها در قبال جامعه* انقلابی و امت حزب الله و ملت شهید پرور به آنان خاطر نشان شده و به آنان تذکر داده می‌شود."

عواقب اخراج غیر منطقی که این باشد، تکلیف "اخراج منطقی" نیز خود به خود روشن است.

یکی از کارگران می‌گوید: "مسر باردارم را هم اخراج کرده‌اند... بدلیل فشار عصبی ناشی از اخراج مدتها در بیمارستان بستری بود... بیست هزار تومان خسارت اخراج او حتی خرج بیمارستانش هم نخواهد شد" (کیهان، ۱۷ اردیبهشت ۶۶).

در حالیکه درصد بیسابقه* بیکاری و سطح نازل دستمزدها فقر مزمین موجود در جامعه را به مرحله‌ای بحرانی سوق داده، رژیم ادعا می‌کند که گویا تمام امکانات در خدمت حفظ ایجاد اشتغال و تسهیل معیشت زحمتکشان است. سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی درباره* سیاست دولت در مورد حفظ اشتغال چنین می‌گوید: "... به راههای متعددی برای حفظ اشتغال فکر شد... تلاشهایی در زمینه* صادرات غیر نفتی صورت گرفت... در واحدهایی که نیازهای ارزی فراوانی داشت و نمی‌توانستند تولید خود را به شکل گذشته ادامه دهند، بلافاصله تولیدات نظامی شروع شد و اشتغال محفوظ ماند... در سال جدید کسانی که کار خود را از دست داده‌اند، آنقدر ناچیز بود که واقعاً به حساب نمی‌آید... ما توانستیم اعجاز کنیم..."

(اطلاعات، ۱۰ اردیبهشت ۶۵).

جناب وزیر بی هیچگونه عذاب وجدان توده* میلیونی رانده شده به زاغه‌ها و حلیب آبادها و سیل عظیم نیروی جوانی را که هر ساله وارد بازار کار می‌شود، نادیده می‌گیرد و چنین وانمود می‌کند که امور به سامان رسیده است. ولی علیرغم قسمهای آقای سرحدی زاده "دم خروس" چندی پیش از زیر قیای آقای نبوی بیرون آمد. او گفت: "برخی مرتب می‌گویند، آقا خط تولید را عوض کنید و کارخانه را تعطیل نکنید. آخر مگر بارمل و اسطرلاب باید خط تولید را عوض کرد؟ برای تغییر خط تولید هم ارز لازم است" (اطلاعات، ۱۰ دی ۶۵).

در اواخر سال گذشته از طرف دولت اعلام شد که "حداقل مزد روزانه... در سال ۶۶ از مبلغ ۷۲۰ ریال به ۷۶۰ ریال افزایش داده می‌شود" و کارفرمایان مکلف شدند تا "به ازای" هر کارگر شاغل روزانه مبلغ یکصد ریال... به حساب اتحادیه* امکان منظور و بین کالاهای اساسی - گوشت سفید، برنج، پنیر، کره، روغن و عدس - دریافت و در اختیار کارگران و کارکنان خویش قرار دهند."

چندی بعد وزیر صنایع سنگین در توضیحی پیرامون "برنامه‌های اصلاح ساختار صنعتی" از جمله اعلام کرد: "... ارزش پول ما امروز تنها ۵۵ درصد ارزش آن در سال ۶۴ می‌باشد" (کیهان ۱۲ اردیبهشت ۶۶).

هر چند که با توجه به نرخ روبه‌تزايد تورم، گفته* وزیر صنایع سنگین با واقعیتهای ملموس زندگی روزمره* مردم مطابقت ندارد و این رقم در بهترین حالت با نرخ دولتی برآورد شده است، اما حتی مقایسه* همین رقم با سطح تقریباً ثابت دستمزدها نیز نشانگر ایجاد فاجعه است. در همین رابطه "طرح پرداخت بخشی از مزد بصورت تأمین و تحویل کالاهای اساسی" نیز دوام نیاورد. دولت با زیر پا گذاشتن مصوبه* خویش فریاد "نمایندگان کارگر" برگمارده از طرف خود را نیز درآورد. "نمایندگان کارگران" در شورای عالی کار نسبت به این عمل اعتراض کردند و اظهار داشتند: "... مطرح

شده است که تنها برخی از اقلام اساسی مصوب شورای عالی کار به کارگران تحویل خواهد شد و باقیمانده* مبلغ ۲ هزار ریال بصورت نقدی یا با اجناس مقدور اتحادیه* امکان پرداخت خواهد شد... مواردی از اطلاعاتی که در مورد نحوه* پرداخت بین از سوی وزارت کار و امور اجتماعی صادر شده است، خلاف موارد تصمیم‌گیری شده در شورای عالی کار است" (اطلاعات ۲۳ اردیبهشت ۶۶).

در حالیکه حجم نقدینگی بخش خصوصی معادل ۱۲ هزار میلیارد ریال برآورد و نیز بگفته* مسئولان سالانه ۲ میلیارد دلار خرج ادامه* جنگ می‌شود، آنها ۶۰ میلیون دلار هزینه* طرح مذکور را که مستقیماً با تغذیه و حیات چندین میلیون مرد و زن کودک و پیربستگی دارد، تأمین نکردند.

واقعیت این است که در شرایط حاکمیت رژیم ج.ا. "فقر" واژه* مناسبی برای تشریح وضعیت فلاکت‌ناچار اکثریت مردم میهن ما نیست. از آنجاکه همه* عرصه‌های حیات کشور در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند، عملکردهای عمومی رژیم امکانی برای حل موردی و مقطعی مسائل نمی‌گذارد. سیاست خارجی هم آوا همسویا امپریالیسم و سیاست داخلی متکی به سرمایه‌هستی زحمتکشان رادچار بحرانی همه جانبه ساخته است. جنگ، رکود اقتصادی، تورم، معضل مسکن و درمان، سرکوب و فشار و... حلقه‌های زنجیره‌ای هستند که گشودن آنها نیاز به سیاستی روشن و علمی، متکی به توده‌های محروم مردم دارد.

سرحدی زاده، در همان مصاحبه‌ای که در آغاز به آن اشاره کردیم، گفته است: "... امیدواریم که کارگران عزیز با درک کامل شرایط، انصاف بدهند که جز این (اضافه دستمزدها و طرح بن کالا) کار دیگری نمی‌شد انجام داد."

آقای وزیر قیاس به نفس می‌فرمایند. مردم زحمتکش میهن ما هم منصفند و هم واقفکار. آنها، با اینهمه وقاحت و بیش‌رمی که در رژیم و کارگزارانش سراغ دارند، انتظاری غیر از این هم از آنها ندارند. زحمتکشان کشور نیک می‌دانند که "سیه روزی" تنها ارمغان رژیمی است که پایه‌های لرزانش گنجهای افسانه‌ای تجار و سرمایه‌داران جنایت و جهل استوار است.

سرخ‌ترین دشمن تجاوزگرهای "پنتاگون نشینان" و دسیسه پردازانهای "سیا"، از جمله علیه مردم ایران، نیروها و جنبش‌های انقلابی کشور ما و حزب توده* ایران، بوده‌اید. ما، شما کمونیستهای ایالات متحده* آمریکا را نمایندگان "آمریکای دیگر"، "آمریکای بهتر" می‌دانیم و امیدواریم، که در آینده نیز همچنان از همبستگی شما در مبارزه* حزبمان علیه امپریالیسم و ارتجاع برخوردار شویم.

موفقیت کنگره بیست و چهارم و پیروزی هر چه بیشترتان را در پیکار برای صلح و سوسیالیسم آرزو مندیم.

یادروندهای کمونیستی،

کمیته* مرکزی حزب توده* ایران"

بایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو بیکاری گیر، متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

پیام به کنگره کمونیستهای *

حزب کمونیست ایالات متحده* آمریکا و حزب توده* ایران را دوستی دیرینه و عمیق، بر پایه* مارکسیسم - لنینیسم و همبستگی انترناسیونالیستی، ببکدیگر پیوند می‌دهد، ما به این پیوند فخر می‌ورزیم و به مبارزه* فدائیکاران* شما برای پیشبرد منافع زحمتکشان، بویژه طبقه* کارگر ایالات متحده* آمریکا، بدیده* ستایش می‌نگریم. در شرایطی که امپریالیسم ایالات متحده* آمریکا، هارتر از همیشه به مسابقه* تسلیحاتی شتاب می‌بخشد و در راه گسترش آن به کیهان گام بر می‌دارد، کوششهای خستگی‌ناپذیر شما برای تقویت جنبش صلح و بسیج هر چه بیشتر مردم آمریکا بخاطر جلوگیری از فاجعه هسته‌ای، از اهمیتی بسزا برخوردار است. شما پیوسته

چوب زیر بغل * * *

توجیه"،
 "غیر عادلانه" و "بی‌اهمیت" خوانده می‌شود. در جای دیگر این جواب می‌خوانیم، که "ایالات متحده" آمریکا با طرح و پیگیری این قطعنامه تلاش کرده تا نفوذ خود را در عراق و در بین کشورهای حامی اوتقویت کند".
 بدینسان، جمهوری اسلامی عوام‌فریبانه این اندیشه را القا می‌کند، که گویا تنها آمریکا پشت قطعنامه یاد شده ایستاده است. درحالی‌که وزارت خارجه ایران قاعدتا باید بداند، که قطعنامه ۷۹۸ شورای امنیت به اتفاق آرا به تصویب ۵ عضو دائمی و ۱۰ عضو دیگر این مجمع رسید. برای آنکه به ماهیت مزورانه رژیم جمهوری بی‌بیریم، کافی است که به گفته‌های برخی از دولتمردان در آستانه تصویب قطعنامه و پس از آن اشاره کنیم:
 "تب جنگ در کشور ما جز با سقوط صدام فرو نخواهد نشست" (خمینی).
 "این قطعنامه از نظر ما پیش‌ریزی ارزش نخواهد داشت" (خامنه‌ای).
 "از نظر ما شورای امنیت از اهمیت برخوردار نیست" (رجائی خراسانی).

در حالی‌که رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر موضع "جنگ جنگ تا پیروزی" خود پای می‌فشارد، تشنج در خلیج فارس و منطقه هر لحظه حادث‌تر و خطرناک‌تر می‌شود. در شرایطی که از جنگ ویتنام تا کنون ایالات متحده آمریکا هیچگاه اینهمه رزمناو

"از تیرباران نمی‌ترسم"

"از تیرباران نمی‌ترسم. با اینکه به زندگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم، اما این علاقه آنچنان لکه‌ای بر تاریکی را تشکیل نمی‌دهد که آفتاب درخشان حقیقت زحمتکشان را نبینم. اکنون که در پای میدان اعدام قرار دارم تنها و تنها به مردم می‌اندیشم. از زندگی کوتاه و پر ماجرای خود به هیچ وجه نادم نیستم، زیرا به اندازه یک ایرانی وظیفه خود را انجام داده‌ام. اندیشه همین موضوع است که به من در این روزهای دشوار نیرو می‌دهد و مرا شاد و سرسخت نگه می‌دارد. بادل‌های شاد و پر امید گل‌گوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه که گل‌گوله‌ها قلبم را خواهد شکافت افتخار پیوستگی به خلق را چون پتک سنگینی بر مغز دشمنان می‌گویم. تردید ندارم که خلق قهرمان و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ما فاتیسم را زنده بگور خواهد کرد و بر لاشه آن بنای زندگی شاد و آسوده خود را بر خواهد افراشت. با مرگ من فقط وظایف من است که پایان می‌پذیرد".

رفیق شهید ستوان یکم منوچهر مختاری
 سحرگاه ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ گروه چهارم افسران سازمان نظامی حزب توده ایران توسط شاه مزدورو جنایتکار به جوخه اعدام سپرده شدند و سپیده با خونشان در آمیخت.

رفقا: ستوان یکم حسین مرزوان، سرگرد رحیم بهزاد، سرگرد ارسطو روشیان، سروان اسمعیل محقق زاده، ستوان یکم منوچهر مختاری و ستوان سوم نیروی هوایی اسداله نصیری، پرغور و سرفراز در برابر دشمن سینه سپر کردند و تا واپسین لحظه‌های زندگی از آرمانهای انقلابی و توده‌ای خود دفاع کردند.

گفتار پر شور رفیق منوچهر مختاری، که بخشی از آن در بالا آورده شد نشانگر روحیه مقاومت و مبارز و ایمان انقلابی قهرمانانی است که نامشان با جوهر زرین تاریخ پرافتخار جنبش کمونیستی میهنمان را آراسته است.

قهرمانان زنده اند
 قهرمانان همواره زنده اند

اعتصاب غذا در "لندن" * * *

(اکثریت) و اعضا و هواداران حزب توده ایران در وین، پایتخت اتریش، سه روز اعتصاب غذا کردند. اعتصاب غذا، که از ساعت ۱۲ ظهر چهارشنبه ۲۰ تیر تا ۱۰ شب جمعه اول مرداد ادامه داشت، به پیشنهاد رفقای فدائی سازمان داده شد و هدف از آن پشتیبانی از زندانیان سیاسی اعتصابی کشورمان و اعتراض علیه جنگ ایران و عراق و تشنج در خلیج فارس بود.

این اعتصاب در اتریش انعکاس چشمگیری داشت و موج همبستگی گروه‌های بسیاری از مردم انسان‌دوست و نیروهای مترقی را برانگیخت و روزنامه‌های مختلف اتریش، از جمله "فولکس اشتیمه"، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش، جریان آن را گزارش کردند.



در خلیج فارس نداشته است، اکنون بریتانیا و فرانسه نیز به بهانه "مین‌روبی" و در واقع با هدف تحکیم حضور نظامی امپریالیسم در منطقه با رزمناوهایشان راه خلیج فارس را در پیش گرفتند. بریتانیا چهار کشتی مین‌روب به خلیج می‌فرستد تا از کشتی‌هایی که نفتکشهایش را در منطقه اسکورت می‌کنند "حفاظت" کنند. فرانسه هم دو مین‌روب می‌فرستد تا به نیروی دریایی عملیاتی این کشور که به سوی منطقه خلیج فارس می‌رود، بپیوندد.

مانور "ستاره" درخشان ۸۷ نیروهای مشترک آمریکا و سوماتی "برای آزمایش توانائی خود در دفاع از حوضه‌های نفتی خلیج فارس" با شرکت هزاران نفر از سربازان و ملوانان آمریکائی، که از ایالات متحده آمریکا، ژاپن و جزیره دیتوگارسیا در اقیانوس هند به سوماتی منتقل شده بودند و شلیک دو موشک از یک هواپیمای جنگنده آمریکا بسوی یک هواپیمای ایران جدیدترین عواقب توطئه‌های امپریالیسم و سیاست غیر مسئولانه و ماجراجویانه‌ایست، که رژیم جمهوری اسلامی دنبال می‌کند و صلح منطقه و جهان را به خطر جدی انداخته است.

سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی با گفته‌هایی چون "خلیج فارس، تا موقعیکه بخواهند ابر قدرتها در آن تردد داشته باشند، ... پر از مین خواهد بود"، در واقع نقش چوب زیر بغل و اینترگرهارا بازی می‌کنند.



داشته باشد؟

از اینجا که بگذریم، مسئله قدیمی نص آبراهما و سیلگیرها مطرح می‌شود که هیچگاه پاسخگوی جریان آب باران نبوده اند و هم رژیم شاه و هم رژیم ج.ا. همواره با این مسئله بصورت "باری بهر جهت" بر خورد کرده‌اند. در نتیجه زیانهای ناشی از سیل همواره گریبانگیر مردم زحمتکش شده است که مثلاً در تهران اکثریت آنها در مناطق فقیرنشین، بویژه جنوب شهر ساکن هستند.

سر مقاله نویس "اطلاعات" نیز تلویحاً به این واقعیت اعتراف می‌کند. او می‌نویسد که در این واقعه "سهم و نقش عوامل انسانی نیز باید بررسی شود". "کانالها و سیلها و آبگیرهای تهران مناسب چنین شهر غول‌پیکری در دامنه پر شیب چنین سلسله جبال بر افراشته‌ای نبوده و نیست و این بار اول نیست که تجربه تکرار می‌شود. آب باید راه خودش را پیدا کند و هدایت شود و اینکار از آبگیرها انکار ساخته نیست".

آیا از ج.ا. که جنگ را "مسئله اصلی" می‌داند و حداکثر بودجه و درآمد ارزی را بطور مستقیم و غیر مستقیم در این راه هزینه می‌کند، می‌توان انتظار داشت که در این زمینه گامی به نفع مردم بر دارد؟ بقول معروف: "چشم ما که آب نمی‌خورد".

جاوید باد خاطره تابناک

شهیدان راه

آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

اعتصاب معدنچیان افریقای جنوبی

مرح اعتصابی عظیمی آفریقای جنوبی را فرا گرفته است. "اتحادیه" ملی معدنچیان در پیشاپیش جنبش اعتصابی کنونی، بزرگترین اعتصاب کارگران معادن را رهبری می کند. تنهادر دوسه روز آغاز اعتصاب بیش از ۲۴۰ هزار معدنچی از ۴۴ معدن طلا و ذغال سنگ، که نیمی از طلا و یک سوم ذغال سنگ این کشور را تولید می کنند، دست از کار کشیدند.

اعتصاب معدنچیان، که بدنبال قطع گفتگو میان "اتحادیه" ملی معدنچیان و "اتاق معادن" بوقوع پیوست، هر روز دامنه وسیعتری بخود می گیرد. این اتحادیه و نیز ۸۰ هزار کارگری که عضو اتحادیه نیستند، اما به صفوف اعتصابیون پیوسته اند، خواهان سی درصد افزایش دستمزد، بهبود امنیت و شرایط کار، مرخصی یکماهه با حقوق، افزایش پرداختی بیمه، سوانح کار و مرگ، تامین اجتماعی، اعلام شانزدهم ژوئن، سالگرد قتل عام مردم سووتو، بعنوان روز تعطیل و در نهایت خواهان برابری حقوق و مزایای کارگران صرف نظر از رنگ پوستشان هستند.



رژیم جنایتکار "بوتا"، که از آغاز اعتصاب سعی کرد، این حرکت عظیم و بحق معدنچیان را در نطفه خفه کند، تاکنون به انواع شیوه های فاشیستی، ارعاب و ضرب و شتم کارگران متوسل شده است، تا آنان را به سرکار خود بازگرداند و تا حد ممکن از گسترش اعتصاب جلوگیری بعمل آورد. رژیم آپارتاید همچنین برای افشاندن بذر هراس در دل اعتصاب کنندگان ۱۲ سایه پوست را که متهم به عضویت در "کنگره" ملی آفریقا بودند، طی محاکمه ای فرمایشی به زندانهای ۵ سال تا ابد محکوم کرد.

گزارشهای اخیر حاکی از آنست، که حدود ۱۵ نفر در جریان حمله های وحشیانه ماموران رژیم زخمی و ۱۷۷ نفر دیگر، از جمله فعالان سندیکائی، دستگیر شده اند. سیریل رمفوزا، دبیر کل "اتحادیه" ملی معدنچیان، با بیش از ۲۷۰ هزار عضو فعال، ضمن اعلام خبر فوق تاکید کرد، که معدنچیان در جهت کسب خواسته های خود مصمم و قاطعانه ایستاده اند و در صورت لزوم، ماهها نیز بسر کار خود باز نخواهند گشت. این اعتصاب در شرایطی صورت می گیرد، که مبارزات سیاسی - اجتماعی در آفریقای جنوبی به مرحله حاد خود رسیده است.

"قرارداد گواتمالا": دهن کجی به ریگان

روند ایجاد و تثبیت دموکراسی در آمریکای میانه، تحکیم استقلال ملی و گسترش همکاری سیاسی و اقتصادی را اعلام می دارند.

برای اجرای "قرارداد گواتمالا" قرار است در عرض ۱۵ روز "کمیسیون اجرائی"، مرکب از وزیران خارجه پنج کشور، تشکیل شود و حداکثر تا سه ماه مفاد این قرارداد را به اجرا گذارد.

طبق پیش بینی در قرارداد یاد شده کمیسیونی بین المللی با شرکت و همکاری نمایندگان سازمان ملل متحد، "سازمان کشورهای آمریکائی" و کشورهای دو گروه "کنفادورا" و "لیما" حداکثر ۱۲ روز پس از امضا قرارداد چگونگی اجرای آن را کنترل خواهند کرد.

جالب آنکه سران کشورهای آمریکای لاتین از طرح و گفتگو درباره "پیشنهاد های ریگان" که در آستانه تشکیل کنفرانس درباره "نیکاراگوئه" انتشار یافت و هدف واقعی از آنها جلب موافقت کنگره ایالات متحده آمریکا برای کمک باز هم بیشتر به ضد انقلابیون نیکاراگوئه بود، سرباز زدند. ناظران سیاسی این واقعت را "دهن کجی" به ریگان ارزیابی کرده اند. بنابراین تعجب آور نیست که رئیس جمهور آمریکا، پس از انتشار متن قرارداد، طی بیانیه ای موافقت خود را با آن شروط به "همخوانی با منافع ایالات متحده" آمریکا و "کنترها" (یعنی ضد انقلابیون اجیر "سیا") اعلام داشت.

نتایج کنفرانس سران پنج کشور آمریکای میانه، که چند روز پیش در گواتمالا پایان یافت، روزنه امید است برای بیش از بیست و پنج میلیون مردم صلح جوی این منطقه. خوسه ناپلئون دوآرته (السالوادور)، وینی سیو کرسو (گواتمالا)، خوسه آسکونا (هندوراس)، اوسکار آریانس (کستاریکا) و دانیل اورنگا (نیکاراگوئه) پ از چندین روز مذاکره قراردادی را زیر عنوان "در راه برقراری صلح مستحکم و پایدار در آمریکای میانه" در شهر گواتمالا امضا کردند.

بر پایه این قرارداد، پنج کشور نامبرده متعهد شده اند تا در راه تأمین صلح و پایان بخشیدن به جنگ کوشش ورزند، از طریق گفتگو از بروز ستیزهای مسلحانه جلوگیری کنند و از این راه خواست خلقهای منطقه برای دستیابی به صلح، حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی را برآورده سازند.

در این قرار داد کمک نظامی کشورهای خارجی، سو استفاده از خاک کشورهای آمریکای میانه برای تهدید دیگر کشورها و معاملات تسلیحاتی منع شده است. طبق "قرارداد گواتمالا"، بزودی مذاکرات درباره "آتش بس در نیکاراگوئه" و السالوادور و همچنین پیرامون مسئله "آوارگان آغاز خواهد گشت.

پنج کشور آمریکای میانه جهانیان را فرا می خوانند تا همبستگی خویش با مبارزه "خلقهای این منطقه در راه صلح و توسعه را بقبولت برسانند. آنها پیشنهاد نخستین اجلاس خود را - که در ماه مه امسال در شهر "اسکوئی پولاس" (گواتمالا) تشکیل شد - مبنی بر برگزاری انتخابات در این کشورها و ایجاد یک پارلمان آمریکای میانه تکرار می کنند.

رؤسای جمهور السالوادور، گواتمالا، هندوراس، کستاریکا و نیکاراگوئه پشتیبانی خود از کوششهای گروه "کنفادورا" برای دستیابی به صلح،

"کنگره" سندیکاهای سایه پوستان آفریقای جنوبی، که "اتحادیه" ملی معدنچیان "هسته" مرکزی آنرا تشکیل می دهد، هشدار داده است، که در صورت ادامه "حمله" رژیم به معدنچیان، ۷۵۰ هزار کارگر عضو را به اعتصاب فرا خواهد خواند. این در حالی است، که بنا به اظهارات فرانک منچیس، مسئول اطلاعات "کنگره" سندیکاهای سایه پوستان آفریقای "احتمال آن می رود، اعتصاب رشد کند و به موسسات تولید نیرو و صنایع دیگر کشور، بویژه بخش صنایع غذایی، شیمیائی و احتمالا فلزات، گسترش یابد. بگفته وی، ممکن است تا آخر هفته آینده، بیش از یک میلیون نفر کارگر به اعتصابگران بپیوندند.

بدین ترتیب حرکت عظیم و متحد کارگران سایه پوست آفریقای جنوبی اقتصاد این کشور و بطور کلی شالوده های حاکمیت آپارتاید را بیش از پیش متزلزل خواهد کرد.

به برنامه های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهد!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

کمکهای مالی رسیده:

ناتوشا از اسن (کمک به زندانیان سیاسی) ۳۵۷ مارک
شاهین از آلمان فدرال ۱۰۰ مارک
روزبه کوچولو از تهران ۱۰۰ فرانک
بیژن از فرانسه ۵۰۰ فرانک

NAMEH
MARDOM
NO: 168

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

18 August 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است